

اسلام سیاسی، دول اروپایی و مسئله پناهندگی

کیوان جاوید

از بیست سال پیش تاکنون تعداد پناهندگان جهان سه برابر شده است که تنها درصد کمی‌شان در کشورهای اروپایی اند. طبق آمار، ۷۵ درصد پناهندگان از کشورهای اسلامزده‌اند.

چرا اینطور است، چه دلیلی برای این فرارهای میلیونی می‌توان آورد، چرا در مقطعی از تاریخ و از کشورهای معینی انسانهای بیشمار رفتن را به ماندن در کنار خانواده و دوستان و محیط زندگی خود ترجیح می‌دهند؟ مسلماً همه کسانی که با بجا گذاشتن همه زندگی و وابستگی‌های عاطفی خود ترک کشور می‌کنند، در آرزوی زندگی بهتر اند. یا به سادگی می‌خواهند از یک وضعیت معین و خطرناک جان بدر ببرند.

جمهوری اسلامی بعد از روی کار آمدنش قوانینی بر جامعه حاکم کرد که در تضاد آشکار با نوع زندگی و باروها و امیال مردم بود. بعد از روی کار آمدن این رژیم، اسلام سیاسی در کوچکترین زوایای زندگی مردم دخالت کرد و مشخصاً برای سرکوب انقلابی که با هدف آزادی و رفاه در آن کشور صورت گرفته بود همه نیروی خود را بکار گرفت. نتیجه این سرکوب گورهای دسته جمعی با بیش از صد هزار اعدامی، پایمال کردن حقوق زنان و کودکان و تحمیل فقر بی‌سابقه به زندگی مردم است. جامعه در مقابل این بربریت آشکار از خود واکنش نشان داد و هر چه ابعاد این واکنش بیشتر شد، سرکوب و زندان و اعدام در شکل عریانی‌تری خود را در مقابل مردم قرار داد. از سوی دیگر فقری که گریبان مردم را گرفت آنها را در مقابل حکومت قرار داد و باز هم این رژیم مجبور به سرکوب بیشتر برای حفظ منافع اقتصادی و سیاسی خود شد. ابعاد عظیم فرار به خارج نتیجه شرایط حاکم بر ایران است.

"صدور انقلاب اسلامی" به خارج مرزهای ایران و فراهم کردن امکان مالی نجومی برای گروهها و جریانات اسلامی تروریست در منطقه، به اسلام سیاسی قدرتی صد چندان داد. حکومت اسلامی برای گروهها و جریانات عقب مانده و ارتجاعی اسلامی الگوئی شد تا با دست باز و قدرت تمام همان معیارهای را که در جمهوری اسلامی بر زندگی مردم حاکم است، راهنمای عمل خود قرار دهند. هر کجا که احزاب و باندهای مافیایی اسلامی در توانشان دیدند، قوانین اسلامی را با تکیه بر کشتار و ترور بر زندگی مردم تحمیل کردند. به همین دلیل است که فرار از کشورهای اسلامزده تا این حد ابعاد گسترده‌ای بخود گرفته است.

اگر با ملاک محدود قوانین بین المللی به پناهندگی نگاه کنیم، تمامی پناهجویان از جوامع اسلامزده حق اقامت در یک کشور امن را خواهند داشت. در آشکارترین و روشن‌ترین بند کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو و پروتکل ۱۹۶۷ به کسی که جان و آزدایش در خطر قرار گرفته است، پناهندگی تعلق می‌گیرد. آپارتاید نژادی و مذهبی و جنسی و عضویت در یک گروه خاص آن دلایلی است که به روشنی فرد را از حق پناهنده شدن برخوردار می‌کند.

وضعیت فعلی

بلوک غرب در وحشت از انقلاب چپ‌گرای ایران، هر چه در توان داشت برای قدرت‌گیری اسلام سیاسی بکار برد و این حکومت ننگین را بر زندگی نه تنها مردم ایران، بلکه در بخشی از آسیا و خاورمیانه و شمال آفریقا تحمیل کرد. شرایط زندگی مردم آنچنان وحشتناک شد که حتی نوشیدن و پوشیدن و راه رفتن به دلخواه خود جرم شد. کشورهای

اروپایی در همکاری با ارتجاعی ترین حکومت‌های ضد انسانی و برای خلاص کردن گریبان خود از "حقوق بشرشان" با توسل به تز ارتجاعی نسبیت فرهنگی به جنگ مردمی رفتند که اسلام نمی‌خواستند، که ارتجاع و عقب‌ماندگی فرهنگی و سیاسی را به مصاف می‌طلبیدند.

مبارزه مردم برای آزادی و رفاه و در ضدیت با اسلام سیاسی هیچگاه طی این بیست سال در چنین ابعادی خود را به نمایش نگذاشته است. خطر نابودی اسلام سیاسی و حکومت اسلامی ایران در هیچ زمان تا این حد جدی نبوده است. یکبار دیگر کل اردوگاه غرب از مبارزه مردم تشنه آزادی و رفاه و قدرت‌گیری چپ به وحشت افتادند و همه امکانات مالی و سیاسی و تبلیغی خود را بکار گرفتند تا مانع از سقوط این رژیم شوند. دفاع از پدیده‌ای به نام خاتمی و اعلام برقراری دموکراسی اسلامی در ایران حکایت از این وحشت دارد. بلوک غرب به روشنی می‌بیند که سقوط اسلام سیاسی و قدرت‌گیری یک حکومت چپ در ایران کل معادلات سیاسی و اقتصادی را در منطقه به نفع یک زندگی شاد و برابر و انسانی دگرگون خواهد کرد. یکی از دلایل آشکار ضدیت دولتهای غربی با پناهندگان گریخته از کشورهای دیکتاتورزده، حمایت از رژیمهایی است که با توسل به زندان و اعدام از نظم کاپیتالیستی حراست می‌کنند.

مضاف براین، جدال با بلوک شرق که باعث شده بود بلوک غرب ژست حمایت از پناهنده بخود بگیرد با شکست بلوک رقیب به پایان رسید. طبق اظهارات "جک سترا"، وزیر داخلی انگلیس که در تلاش است حق پناهندگی را رسماً ملغی کند. "پناهندگی اصولاً برای تحت فشار قرار دادن اروپای شرقی استالینیست" موضوعیت می‌یافت. امروز این موضوعیت وجود ندارد.

دلیل دیگر ضدیت بلوک غرب در "مهار پناهنده"، به اوضاع داخلی کشورهای غربی برمی‌گردد. پناهندگان همیشه ارزاترین نیروی کار این جوامع را تشکیل میدادند. نیاز به نیروی کار پناهندگان در این شرایط منتفی شده است. بیکاری در غرب بیداد می‌کند. رونق اقتصادی چند دهه گذشته در غرب جای خود را به بحران اقتصادی مزمن و خطرناک داده است. طبقه کارگر در این کشورها خود را هر چه بیشتر در مصاف با سیستم حاکم می‌بیند. از آمریکا تا اروپا تظاهراتی ضد سرمایه‌داری هر چه بیشتری شکل می‌گیرد. مردم این کشورها به بیکاری و فقر و ناروشن بودن آینده‌شان اعتراض دارند. در فرار از این وضعیت، پناهندگان اولین قربانیان این سیستم شده‌اند. بیکاری را همچون همه جای دنیا از سر "خارجیان" جار می‌زنند تا علت اصلی بیکاری را پنهان کنند. سعی می‌کنند مردم را برعلیه "خارجیان" تحریک کنند تا راحت‌تر بتوانند در مقابل مبارزات جاری پناهندگی و حمایت مردم از پناهندگان مانع ایجاد کنند.

راه مقابله در ضدیت با پناهندگان چیست؟

تا این شرایط ضد انسانی بر زندگی مردم حاکم است، بخشی از مردم به فرار بعنوان یک راه نجات فکر می‌کنند. این حق مردمی است که در صورت نخواستن و نتوانستن بتوانند کشورشان را ترک کنند و انتظار زندگی بهتری را داشته باشند. دستاوردهای بشر برای یک زندگی انسانی محصول مبارزه و تحمیل مردم بر سیستم حاکم در جهان است. هیچ ذره‌ای از بهبود در زندگی مردم از سر خیرخواهی و خوش‌نیتی طبقات حاکم به آنها داده نشده است.

بلوک غرب در آشکارترین حمله‌اش به حقوق پناهندگی و در قدم اول تصمیم به اخراج دهها هزار پناهجو گرفته است. ابعاد ردی‌ها باور نکردنی است، به تظاهر هم نیازی ندارند. بسادگی می‌گویند پناهنده نمی‌خواهیم، دوران مصرفش

تمام شده است. این شرایط را نمی توان فقط با مراجعه به قوانین و ثابت کردن تناقض آن با نقض حقوق پناهندگی تغییر داد. خیلی ساده باید در مقابل این تعرض گسترده در خیابانها بود و به نیروی عظیم آزادیخواهان آن را با قدرت و زور عقب راند. جواب دولتهائی که زندگی میلیونها پناهجو را به بازی گرفته اند، یک جنگ تمام عیار است. به این اعتبار باید متحد شد و نیرو جمع کرد. باید از کل پناهندگان، آزادیخواهان جهان و طبقه کارگر جهانی در این مبارزه یاری خواست. پناهندگان حتی در بهترین حالت نیز نخواهند توانست به تنهائی از حملات طبقات حاکم به حقوق پناهندگی جان سالم بدر برند.

نمونه مبارزه و تحصن ۶ ماه پناهندگان به رهبری فدراسیون در ترکیه و حمایت اتحادیه های کارگری و آزادیخواهان در آن کشور از این مبارزه و عقب راندن دولت هلند با تکیه به نیروی خود پناهنده و آزادیخواهان و اتحادیه های کارگری و نمونه های بسیار دیگر، گویای این واقعیت است که اگر ما بتوانیم در ابعاد وسیع، خود پناهندگان و آزادیخواهان جهان را در دفاع از حق اقامت و پناهندگی بسیج کنیم و به خیابان بیاوریم، پیروزی های درخشانی در انتظار ما است.

نیرو داشتن و متحد بودن و خود را از انزوا در آوردن آن کلید رمزی است که ما را به پیروزی می رساند.